

روش‌شناسی آیت‌الله احمدی میانجی در تألیف «مکاتیب الرسول»

e.dastlan@gmail.com

ابراهیم دستلان / دانشجوی دکتری کلام اسلامی، قم، بنیاد امامت اهل بیت

دریافت: ۱۳۹۹/۰۲/۲۱ - پذیرش: ۱۳۹۹/۰۵/۰۵

چکیده

آیت‌الله علی احمدی میانجی، از عالمان معاصر شیعه و از استادان حوزه علمیه قم، در علوم مختلفی از جمله تفسیر، فقه، تاریخ و حدیث مهارت داشت و آثار متعددی از خود بر جای گذاشته‌اند. ایشان به عنوان یک فقیه اخلاقی، در پی انگیزه‌های شخصی یا اعتقادی، تألیفات تاریخی از خود به یادگار گذاشته که دارای تنوع موضوعی است.

این مقاله با بررسی کتاب مکاتیب الرسول، در پی استخراج رویکرد این عالم بزرگوار در تألیف این کتاب است. بدین منظور، به محتوای کتاب پرداخته و سبک و شیوه برخورد ایشان با موضوعات گوناگون و انعکاس مطالب مورد نظرشان، مورد بررسی قرار گرفته است. ایشان پس از پرداختن به کیفیت تألیف نامه‌ها و نحوه ارسال، سعی در تجمیع مصادر و نسخ نموده، سپس با بررسی دقیق رجالی، مخاطبین نامه‌ها را مورد بررسی قرار داده است. از ویژگی‌های دیگر این کتاب، پرداختن به تاریخ و شرح لغات و بیان تعارضات، ذیل هر نامه است. ایشان با روش‌های مختلف، سعی در تجمیع اقوال داشته و شخصیت‌شناسی مناسبی از افراد مورد بحث، به یادگار گذاشته است.

مؤلف در این تألیف، از روش روایی، تحلیلی بهره برده و رویکرد ایشان نیز یک رویکرد کلامی، تاریخی با شاخصه‌های آن می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: احمدی میانجی، تاریخ‌نگاری، تاریخ نامه‌نگاری، کتاب مکاتیب الرسول، نامه‌های پیامبر

پیش از ورود به مسئله، شایسته است ابتدا به گزیده‌های از زندگی حضرت آیت‌الله/حمیدی میانجی پرداخته و سپس، تألیفات ایشان معرفی گردد و پس از آن، تألیفات تاریخی ایشان مورد بررسی قرار گرفته و روش و رویکرد ایشان در آنها استخراج گردد. ایشان در چهارم محرم الحرام سال ۱۳۴۵ هجری قمری، مطابق با ۲۳ تیرماه سال ۱۳۰۵ هجری شمسی در منطقه اوج‌تپه، در چهار فرسخی غرب شهر میانه دیده به جهان گشود. دوران کودکی خود را در کنار والدین خود، با یادگیری دروس مرسوم آن زمان، سپری نمود و در حدود ۱۲ سالگی، برای کسب علم عازم شهرستان میانه گردید. در سال ۱۳۶۳ هجری قمری، پس از اتمام کتاب شرح لمعه، برای ادامه تحصیل به تبریز هجرت نمود (ر.ک: کاظمی محسن، ۱۳۸۰، ص ۱۴۵).

ایشان، در سال ۱۳۲۳ ش، راهی شهر قم شد تا با حضور در محفل درس بزرگان آن شهر، بر توشه‌های علمی و معنوی‌اش بیفزاید. ایشان در ابتدای ورود به قم، در درس آیت‌الله سید حسین قاضی طباطبایی حاضر شد. سپس، در درس‌های خارج فقه و اصول و تفسیر حضرت آیت‌الله العظمی بروجردی، آیت‌الله محقق داماد، آیت‌الله گلپایگانی و علامه طباطبایی شرکت جست و با گزینش هم درس‌های مناسب که بعدها هر یک از بزرگان جامعه شدند، راهی پر از دانش و دانایی را در پیش گرفت. ایشان، از آغاز نهضت بزرگ اسلامی ایران، همواره در قم، میانه و شهرستان‌های دیگر، حضوری خالصانه و صادقانه داشت و در بیش‌تر اعلامیه‌ها و بیانیه‌های علما، امضای ایشان نیز به چشم می‌خورد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، در همان ماه‌های اول از سوی امام خمینی، به عنوان قاضی و حاکم شرع شهرستان میانه، به انجام وظیفه پرداخت. آن مرحوم در وقایع سال‌های بعد، همواره حضوری چشمگیر داشت که حضور در خبرگان قانون اساسی و چندین دوره خیرگان رهبری، از شمار آن عرصه‌ها می‌باشد. ایشان، همچنین در هشت سال دفاع مقدس، در جبهه‌ها حضور یافته و با سخنان شورانگیز خود، به رزمندگان اسلام روحیه می‌داد. فرزند برومند ایشان نیز آقا جعفر در راه اهداف مقدس انقلاب، در عملیات کربلای ۵ به شهادت رسید.

آیت‌الله/حمیدی میانجی، از شمار عالمانی بود که ضمن برخورداری از درجه بالای اخلاق اسلامی، در عرصه اجتماعی نیز توفیقاتی داشته‌اند. ایشان در عین وارستگی و پاکی، در خصوص هدایت مردم و گسترش تعالیم اسلام و راهنمایی نسل جوان، احساس مسئولیت می‌کرد. از این‌رو، در سال ۱۳۴۸ ش، اقدام به تأسیس مرکزی به نام «انجمن دین و دانش» در شهرستان میانه کرد و در ایام تعطیلات تابستان و مناسبت‌های تبلیغی، در آن مرکز به اداره جلسات علمی و تربیتی می‌پرداخت. هم‌اکنون بسیاری از شاگردان آن جلسات، از مسؤولان اجرایی کنونی جامعه‌اند. از دیگر اقدامات ایشان، تأسیس صندوق قرض الحسنه مهدیه و مؤسسات قالیبافی بانوان در شهرستان میانه است که در بهبود اوضاع دینی و معیشتی خانواده‌ها بسیار مؤثر بود.

پررنگ‌ترین و برجسته‌ترین جنبه زندگی ایشان، فضیلت‌های اخلاقی آن عالم فرزانه به شمار می‌رود. زهد و قناعت، رسم زندگی او و اخلاص و تواضع، منش او، و در یک کلام، او عالمی ربّانی در این جهان فانی بود. کلاس‌های درس اخلاق او در مدرسه فیضیه، حجتیه، شهیدین و بسیاری از مدارس دیگر، محل اجتماع علاقه‌مندان و شیفتگان بیانات آموزنده، اخلاق و رفتار خالصانه و بی‌ریبای آن معلم بزرگ اخلاق بود. آثار معنوی و علمی بزرگانی چون، حضرت آیت‌الله/احمدی میانجی را نمی‌توان با مقیاس‌های معمولی سنجید؛ چرا که قلمرو تأثیر آن در همه زمان‌ها جاری خواهد بود. با این وجود، برخی از آثار قلمی ایشان، از برکات خاصی برخوردار بوده و زحمات زیادی را برای ایشان داشته است. در این میان، خود استاد، توجه خاصی به کتاب *مکاتیب الرسول*، که در آن نامه‌های پیامبر ﷺ جمع شده، داشته است وی درباره آن می‌فرماید که: «این کتاب، حاصل عمر من است و من حدود پنجاه سال برای نگارش آن زحمت کشیده‌ام».

سرانجام، روح والای آیت‌الله/احمدی میانجی، پس از حدود ۷۵ سال زندگی پرهیزکارانه و تلاش در راه تحقق بخشیدن به اهداف بلند پیامبر اسلام ﷺ و خاندان پاکش، در روز دوشنبه ۲۱ شهریور ماه ۱۳۷۹، به سوی جهان جاویدان پر کشید و پیکر پاکش در روز سه‌شنبه، با شکوه فراوان تشییع و پس از اقامه نماز، توسط یکی از مراجع بزرگوار قم، در حرم مطهر حضرت معصومه علیها السلام به خاک سپرده شد. (پیام، ۱۳۹۶، ص، ۷-۱۸).

آیت‌الله/احمدی میانجی، در وادی تحقیق و تألیف نیز در شمار شخصیت‌های کم‌نظیر قرار دارند، برخی از آثار مکتوب ایشان، که به چاپ رسیده است، عبارتند از:

۱. مکاتیب الرسول ۲. مواقف الشیعه ۳. مالکیت خصوصی در اسلام ۴. شرح دعای ابوحمزه ثمالی ۵. شرح حدیث ثقلین ۶. السجود علی الارض ۷. التبرک ۸. مکاتیب الائمه ۹. تحقیق کتاب معادن الحکمة ۱۰. الاسیر فی الاسلام ۱۱. احادیث اهل البيت عن طرق اهل السنة ۱۲. لزوم وزارت اطلاعات در حکومت اسلامی ۱۳. حاشیه و تعلیقه بر کتاب «معادن الحکمة» فیض کاشانی ۱۴. حاشیه و تعلیقه «شیعه در اسلام» علامه طباطبایی.

در پیشینه‌ای مقاله کار خاصی انجام نشده و صرفاً چند مقاله در معرفی کتاب مطرح شده است، اما در مورد پیشینه کتاب مکاتیب به چند مورد اشاره می‌گردد:

- مجموعه الوثائق السياسية للعهد النبوی و الخلافة الراشدة، حمیدالله محمد، ترجمه: سید محمدحسینی، دارالنفیس، بیروت لبنان، ۱۴۰۷ق.

- رسالات نبویه، محمد عبد المنعم خان، کرداش جهبا، هند، ۱۹۱۷ م.

- معرفی کتاب *مکاتیب الرسول*، هوشمند، مهدی؛ علوم حدیث، پاییز، ۱۳۸۰ - شماره ۲۱ ص ۱۸۹ تا ۱۹۹.

- «نامه‌های پیامبر اعظم»، اباذری، عبدالرحیم، فرهنگ کوثر، ۱۳۸۸ شماره ۷۷. ص ۸۱ تا ۹۰.

- گزارشی از نامه‌های پیامبر اعظم، سید مهدی سلطانی رنائی، فرهنگ کوثر، ۱۳۸۵ شماره ۶۸
 - پژوهشی در نامه‌های پیامبر، عزالدین ابراهیم، ترجمه: حسین علی‌نقیان، آینه پژوهش، ۲۵ مرداد و شهریور
 ۱۳۹۳، شماره ۳ (پیاپی ۱۴۷).

مکاتیب الرسول

یکی از آثار مرحوم آیت‌الله/احمدی میانجی، کتاب *مکاتیب الرسول* است که به زبان عربی نگاشته شده و حاوی نامه‌هایی از پیامبر ﷺ، خطاب به پادشاهان، مسئولان، کارگزاران و مکاتباتی در ارتباط با عهدنامه‌ها، قراردادهای و برخی موضوعات دیگر می‌باشد. در طول تاریخ، نامه‌ها و آثار مکتوب پیامبر در کتاب‌های روایی، تاریخی و تفسیری به طور پراکنده وارد شده است. در این میان، *مکاتیب الرسول*، اولین کتابی است که همه نامه‌ها و نوشتارهای منسوب به پیامبر اکرم ﷺ را به صورت توصیفی و تحلیلی و در یک مجموعه، جمع‌آوری نموده است.

ساختار کتاب

کتاب *مکاتیب الرسول*، که حاصل ۴۹ سال تلاش مرحوم/احمدی میانجی است (احمدی میانجی، ۱۴۱۹ق، ص، ۶) و در سه جلد، توسط انتشارات دارالحدیث، در سال ۱۴۱۹ ق در قم منتشر شده است که جلد اول در ۷۰۴ صفحه، جلد دوم در ۷۱۹ صفحه و جلد سوم در ۷۸۴ صفحه تدوین شده و جلد چهارم، که اختصاص به فهرس دارد نیز به آن اضافه شده است. متأسفانه این کتاب، هنوز به زبان فارسی ترجمه و یا تلخیص نشده است. که خلاصه فارسی این کتاب، می‌تواند جاذبه بیشتری برای اهل مطالعه داشته باشد.

در مجموع، این کتاب در چهار مجلد (سه جلد محتوا و یک جلد فهرس)، دارای یک مقدمه، چهارده فصل، یک خاتمه و فهرست می‌باشد. موضوعات مورد بحث در فصل‌های چهارده‌گانه، تحت عنوان *مکاتیب الرسول* تدوین یافته و شامل مکتوبات پیامبر اعظم، اعم از نامه‌ها و مکتوبات ایشان در موضوعات مختلف می‌باشد، که به شرح زیر است:

فصل اول: ابتدا کردن نامه‌ها با «بسم الله الرحمن الرحيم». فصل دوم: واژه‌هایی که پیامبر ﷺ پس از «بسم الله» به کار می‌برد. فصل سوم: بلاغت پیامبر ﷺ در نامه‌ها. فصل چهارم: واژه‌های نامأنوس و مشکلی که در نامه‌ها وجود دارد. فصل پنجم: بحث در اینکه، آیا پیامبر می‌نوشت یا نه؟ فصل ششم: نگارش در عرب قبل و بعد از اسلام. فصل هفتم: نامه‌های پیامبر به پادشاهان، حاکمان و بزرگان یهود و نصاری، در دعوت به اسلام. فصل هشتم: نامه‌هایی برای دعوت به اسلام و موضوعات متفرقه. فصل نهم: نامه‌هایی که نزد امامان معصوم بود. فصل دهم: نامه‌های پیامبر در دعوت عمومی به اسلام. فصل یازدهم: نامه‌های پیامبر به کارگزارانش. فصل دوازدهم: مکتوبات

پیامبر در عهدنامه‌ها و قراردادهای فصل سیزدهم؛ نامه‌هایی در واگذاری زمین‌ها. فصل چهاردهم؛ نامه‌های متفرقه. مؤلف در خاتمه کتاب، سایر مطالب و نامه‌های منسوب به آن حضرت را آورده و درباره آنها بحث کرده است. همان‌گونه که از نام‌گذاری فصول مشخص است، از فصل اول تا فصل ششم، قبل از ورود به محتوای نامه‌ها به کلیات و مقدماتی پرداخته شده و از فصل هفتم تا فصل چهاردهم، مکتوبات پیامبر که شامل نامه‌های ایشان به افراد و گروه‌ها برای اسلام آوردن، به پادشاهان، به کارگزاران خود، نامه‌های موجود نزد ائمه علیهم‌السلام، پیمان‌ها و صلح‌نامه‌ها و سایر موارد، مورد بررسی قرار گرفته است. فصل پانزدهم نیز به نامه‌های نانوخته اختصاص داده شده و در خاتمه، برخی مکاتیب ساختگی منسوب به پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم آمده است. نامه‌ها و نوشته‌های رسول خدا، به چند دسته کلی تقسیم می‌شوند:

برخی نامه‌های حضرت به سلاطین، شاهزادگان، اسقف‌ها، سران قبایل و سایر افراد دیگر نگارش یافته و در آنها، مخاطبان دعوت به توحید و دین اسلام شده‌اند (احمدی میانجی، ۱۴۱۹ق، ص ۱۸۱). بعضی دیگر، مربوط به انتصابات و بخشنامه‌ها و توصیه‌های رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به افراد مختلف است (همان، ص ۵۰۹-۷۰۴). تعداد دیگری از نامه‌ها، برای تأمین امنیت جانی و مالی افراد نوشته شده‌اند (همان، ص ۵ - ۴۳۱) و یا مربوط به استفاده زمین‌هایی هستند که پیامبر آنها را به بعضی از انصار و مهاجران داده است. مرحوم / احمدی میانجی، این بخش از نامه‌های پیامبر را به چهار قسمت تقسیم کرده است: اول: سندهایی که مورخان و راویان به نگارش آنها، به وسیله پیامبر تصریح کرده‌اند، ولی متن آنها در کتب روایی و تاریخی نیامده است. وی حدود ۲۵ نمونه از این گونه نامه‌ها را نقل می‌کند (همان، ص ۳۱۲-۳۲۴). دوم: مواردی که اقطاع به وسیله پیامبر انجام گرفته، ولی تصریح به نگارش سند به وسیله پیامبر نشده است. در این باره، ۵۵ نمونه بیان شده است (همان، ص ۳۲۵-۳۴۸). سوم: سندهایی که در مورد خانه‌ها، به وسیله پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم صادر و به اصحاب تحویل داده شده‌اند. از این نامه‌ها، ۲۸ نمونه ذکر شده است (همان، ص ۳۵۰-۳۵۵). چهارم: اسنادی که هم تصریح به نگارش آنها شده و هم متن آنها در کتب روایی و تاریخی موجود است. از این نمونه نیز، ۳۳ مورد ذکر شده است (همان، ص ۴۳۳-۵۲۰) و بخشی از نامه‌ها در موضوعات مختلف (همان، ص ۵۴۵-۶۹۱) و بخش آخر، در مکتوبات که مربوط به علم پیامبر است و به امیرالمؤمنین علیه‌السلام املاء و توسط ایشان مکتوب شده است (ر.ک: اباذری عبدالرحیم، ۱۳۸۸، ص ۸۱-۹۰).

مؤلف در ۴۹ سال تتبع خود در جمع‌آوری نامه‌های رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم تلاش فراوانی نموده و به منابع موجود رجوع و نامه‌ها را استخراج و در این مجموعه ثبت نمودند. از این قبیل، حدود ۲۵۵ نامه در کتب تواریخ، ذکر شده که فقط متن ۲۲۹ عدد از آنها، در منابع تاریخی آمده است. همچنین، تعداد فرستاده‌های رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در امور مختلف را ۲۶۳ نفر معرفی نموده‌اند (احمدی میانجی، ۱۴۱۹ق، ص ۶-۷).

روشن شناسی

روشن استناد

تجمیع و معرفی همه مصادر

مرحوم میانجی، در ذیل هر نامه به ذکر تمامی مصادر آن پرداخته و با تتبع در آن منابع، به نقل گزارشی از نامه‌ها پرداخته و حتی مصداری که از آنها نقل گزارش شده، اما به ما نرسیده را معرفی نموده است. مصادر مورد استناد وی به صورت متعدد مورد بررسی قرار گرفت و تطابق مطالب کتاب مورد تأیید می‌باشد. البته ممکن است برخی آدرس‌های کتاب *مکاتیب الرسول* متفاوت باشد که مربوط به تفاوت نشر و سال چاپ می‌باشد. به عنوان نمونه، ذیل نامه‌ای که به مهاجرین و انصار و یهودیان یثرب نوشته شده است، مصادر را چنین معرفی نموده‌اند: «سیره ابن هشام، البداية والنهاية، رسالات نبویة، الأموال لأبی عبیدة، الأموال لابن زنجویه، مدینة البلاغة، نشأة الدولة الاسلامیة، الصحیح من السیرة، سیرة النبی ﷺ لاسحاق بن محمد همدان قاضی ابرقو، الوثائق السیاسیة عن ابن هشام، سیرة ابن إسحاق ترجمتها الفارسیة، سیرة ابن سید الناس، إمتاع الأسماع للمقربزی و ابن أبی خثیمة». مؤلف پس از ذکر این منابع، از مصنف عبدالرزاق و غریب الحدیث ابی عبیدالقاسم بن سلام و طبقات ابن سعد و مسند احمد و مطهر بن طاهر و ابن ماجه و ابی داود یاد می‌کند که نامه را از این مصادر هم نقل نموده‌اند. اما ایشان این گزارش را در این کتب نیافته است (ر.ک: احمدی میانجی، ۱۴۱۹ ق، ج ۳، ص ۷).

تجمیع نسخ

مرحوم میانجی، در تألیف این اثر در تجمیع نامه‌ها، هیچ اغمازی نکرده است. مثلاً در نامه به کسری، شش نقل مختلف موجود بوده و ایشان از مصداری چون بحار (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۲۰، ص ۳۸۱): (مناقب آل ابی طالب ﷺ (لابن شهر آشوب)، ج ۱، ص ۷۹): الوثائق (مجموعه الوثائق السیاسیة للعهد النبوی و الخلافة الراشدة، ص ۱۴۳) و... نقل و همه را با ذکر سند بیان کرده است (احمدی میانجی، ۱۴۱۹ ق، ج ۲، ص ۳۱۹). همچنین، در مورد نامه‌ای که به قبیله خزاعه نوشته شده، بعد از ارائه متن آن، به نقل ابن سعد (ابن سعد، ۱۴۱۰ ق، ج ۱ ص ۲۰۸) و طبرانی (طبرانی، ۱۴۱۵ ق، ج ۲ ص ۲۹) نیز پرداخته‌اند (احمدی میانجی، ۱۴۱۹ ق، ج ۳، ص ۱۲۵). همچنین، در نامه به نبی زهیر نیز پس نقل متن نامه، متون دیگر را از کنز العمال (متقی هندی، ۱۴۰۱ ق، ج ۴، ص ۳۶۸)، آغانی (اصفهان‌ی ابوالفرج، ج ۲، ص ۴۵۶) و ابن حبان (ابن حبان، ۱۴۱۴، ج ۱۴، ص ۴۹۷) نقل می‌کنند (احمدی میانجی، ۱۴۱۹ ق، ج ۳، ص ۲۰۹).

بررسی رجالی

بحث رجالی حول نامه‌ها به جهت مذاقه نمودن مطالب، بسیار مهم است که مؤلف به این امر نیز توجه داشته است، به عنوان نمونه، یکی از عناوین نامه‌ها که در کتب مکاتیب ذکر شده نامه پیامبر ﷺ به/بی جعفر است.

مرحوم میانجی، ذیل متن نامه می‌فرماید: «در مصنف ابن رزاق نام و نسب و محل زندگی /با جعفر نیامده و ما هویت او را نشناختیم و ظاهر این است که از متن حدیث حذف شده باشد و نص صحیحی از این مطلب به دست ما نرسیده است» (احمدی میانجی، ۱۴۱۹ ق، ص ۲۹۱).

همچنین، در نامه‌ای به کارگزاران، دریافت صدقات به بحث رجالی پرداخته، می‌فرماید: «سند این حدیث به ثمامه بن عبدالله بن انس بن مالک منتهی می‌شود که ذهبی در میزان الاعتدال می‌گوید/ احمد و نسائی او را توثیق نموده‌اند و ابن عدی گوید اشکالی در او نیست اما/ ابن معین گوید این حدیث که از ثمامه از انس نقل شده صحیح نیست» (همان، ۱۴۱۹ ق، ج ۲، ص ۶۰۸). و یا در ترجمه ابراهیم بن ابی رافع، که ناقل کتابی از امیرالمؤمنین علیه السلام به منابع مختلف رجالی رجوع و نظر ایشان را ذکر نموده است (همان، ص ۴۳۲).

استفاده از نظرات معاصرین

مؤلف در تبیین مصادر و گاهی در تحلیل و یا پاسخ به اشکالات، از نظرات معاصرین مانند تطبیق اهل هجر، که در نامه‌های پیامبر اشاره شده، به منطقه بحرین فعلی با استفاده از کتاب *المفصل* دکتر جوادعلی (جوادعلی، ۱۴۱۳ ق، ج ۴، ص ۲۱۲) و مانند تحلیلی که در سن عایشه، با استفاده از کتاب *الصحيح من سيرة النبي الاعظم* نوشته سید جعفر مرتضی عاملی (جعفر مرتضی عاملی، ۱۴۱۵ ق، ج ۳، ص ۲۸۵) اشاره کرده است. مرحوم میانجی، در پنج مورد از سید جعفر مرتضی عاملی استفاده نموده و تحلیل ایشان را منعکس نموده است (ر.ک: احمدی میانجی، ۱۴۱۹ ق، ص ۱۰۵-۱۴۲-۵۲۴-۵۹۰؛ ج ۳، ص ۱۵).

روش تحلیل

شرح عبارات

یکی از کارهای مهم در کتاب *مکاتیب الرسول*، که توسط مؤلف ذیل همه نامه‌ها شکل گرفته است، شرح بسیار مفیدی است که برای عبارات مختلف مکتوب نموده اند که منحصر به اصل واژه هم نیست، بلکه به فراخور موضوع مربوط به مباحث تاریخی، اعتقادی، شخصیت‌شناسی، رجالی و جغرافیایی و غیره است که مرتبط با آن لغت بوده و مفید فایده در کتاب بوده، می‌باشد. به عنوان نمونه، پس از متن نامه‌ای که در مورد هدایای خبیر مکتوب شده و سهم زنان پیامبر نیز مشخص شده است، ایشان در شرح این نامه، برای اشاره به عبارت «نساء»، به معنی همسران پیامبر، ابتدا به تعداد زنان پیامبر، که بنا بر مشهور پانزده نفر بوده‌اند، اشاره نموده و سپس، هر کدام را یک به یک نام برده و به معرفی شخصیت او پرداخته است و اقوال و نظرات مختلف را ذیل هر شخصیت بیان می‌کنند (همان، ص ۶۵۴).

همچنین، در نامه‌ای که به اهل جرباء ارسال شده، به بررسی کلمه جرباء پرداخته و فرموده است: بنا بر آنچه در کتاب‌های *الکامل فی التاريخ، البدايه و النهايه، سيره حلبيه و سيره دحلان* آمده است، این لغت تأنیث کلمه أجرب است که ممدود و مقصور شده است و بنا بر نقل *معجم البلدان*، جمع کلمه اجر ب از بلاد شام می باشد (همان، ص ۱۱۳).

بحث تاریخی

از دیگر اقداماتی که در کتاب *مکاتیب الرسول* شکل گرفته، بحث تاریخی است که ذیل نامه‌ها به آن پرداخته شده است. گاهی نیز با تحلیل‌های متفاوت مورخین همراه شده است. برای نمونه، در نامه‌ای که بین مسلمانان و قریش در حدیبیه مکتوب شده است، مرحوم میانجی، داستان واقعه حدیبیه را به صورت زیبا و کامل از ابتدا شرح داده و سپس به کیفیت، انعقاد قرارداد پرداخته و حتی بندهای مختلف آن را ذکر نموده و در آخر، نتایج صلح نامه را هم قید می‌کنند (همان، ص ۷۷).

همچنین، در برخی نامه‌ها که نام منطقه‌ای بیان شده، ایشان با بررسی حدود دقیق آن منطقه، آن را مورد بررسی قرار داده است. مثلاً در نامه به ملوک عمان، که نام طایفه اسد آمده است که مرحوم میانجی، با بررسی وضعیت این قبیله، می‌فرماید: طایفه اسد همان آزد معروف است که منطقه‌ای در بحرین بوده و افراد این طایفه، بعدها در شهرهای مختلف متفرق شدند (احمدی میانجی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۱۱۸). یا در تعیین محل استقرار بنی جعیل، آن را در منطقه بین مدینه و مکه، با حدود دقیق جغرافیایی معرفی می‌کنند (همان، ص ۳۳۶).

در نمونه‌ای دیگر، پس از معرفی نامه‌ای به راشد بن عبد رب السلمي، به توضیح مبسوطی در مورد این شخص پرداخته که در مصادر مختلف با نام‌های دیگر هم بیان شده است. سپس، به کلمه سلمی اشاره نموده و آن را منسوب به بنوسلیم دانسته و وارد معرفی طایفه بنو سلیم می‌گردد و در آخر، به غزه بنی سلیم که به قرقره الکدر نیز معروف است، می‌پردازد (همان، ص ۴۳۶). وی در نامه‌ای دیگر، به بنو قیس بن اُقیش، می‌فرماید: در کتب موجود ذکری از این طایفه یافت نشد و احتمال دارد که برادر زادگان طایفه بنو زهیر بن اُقیش باشند (همان، ص ۲۱۷).

جمع بین اقوال

یکی از روش‌های تحلیل، جمع بین اقوال و نظرات است که در شیوه مرحوم میانجی، در تألیف این کتاب مشهود است در ادامه، به چند نمونه اشاره می‌گردد:

- یکی از اختلافات مطرح شده بین مورخان، اختلاف در زمان کتابت نامه به منذر بن ساوی حاکم بحرین است. برخی آن را در آخر سال ششم و ابتدای سال هفتم دانسته، گروهی در سال هشتم و برخی دیگر، مانند ابن خلکان در فاصله بین صلح حدیبیه و وفات رسول خدا مطرح کردند. مؤلف در جمع بین این اقوال می‌فرماید:

به احتمال قوی کثرت مکاتبه با منذر باحثین را به اشتباه انداخته است، زیرا پیامبر در دفعات گوناگون با منذر مکاتبه داشتند که شاید نامه دعوت به اسلام در سال نامه به ملوک (انتهای سال ششم و ابتدای سال هفتم) باشد و بعد از آن در سال‌های بعد، مکاتبات دیگری تا قبل از وفات پیامبر در سال هشتم و غیره وجود داشته که باعث اشتباه مورخین شده است (همان، ص ۳۵۷).

در بخش اقطاعات نیز آمده است که به/بویکر نیز زمین‌هایی واگذار شده است و سپس، سه نقل در این زمینه نقل می‌شود که نقل اول از/بویوسف، بحث واگذاری یک زمین به صورت مطلق آمده است و در نقل دوم از بلاذری، زمینی از بنی نصیر به/بویکر واگذار شده و در نقل سوم از/ابن سعد سخن، از زمینی است که با ربیعہ/اسلمی در آن شریک بوده و صد اصل نخل در آن وجود داشته است. مرحوم میانجی، در ادامه می‌فرماید: «به گمان من نقل اول در واگذاری زمین برای ساخت منزل بوده و نقل دوم و سوم به جهت زراعت و باغداری بوده است. بنابراین سه قطعه زمین به/بویکر واگذار شده است» (همان، ص ۳۴۰).

همچنین، به نقل از مصنف عبدالرزاق و فتوح البلبان بلاذری و... آمده است که رسول خداﷺ در نامه‌ای که به اهل هَجْر از توابع بحرین فرستاده شد و ایشان را دعوت به اسلام نمود و برخی دیگر، همچون ابن بدران در تهذیب تاریخ/ابن عساکر آورده است که این نامه به/ابان بن سعید داده شد تا عامل پیامبر در این منطقه برای اخذ صدقات و دریافت جزیه ایشان باشد و نامه‌ای به/ابان در جهت دعوت اهل هجر به اسلام نوشته شد. مرحوم میانجی، می‌فرماید: «از ظاهر این نقل به دست می‌آید که رسول خداﷺ دو نامه به/ابان داده‌اند که یکی برای دعوت مجوسیان هجر به اسلام بوده است و دیگری شامل دستوراتی به/ابان بوده که احکام صدقات از آن جمله است» (همان، ص ۳۸۸).

روش ترجیح احتمالات

گاهی ذیل یک مبحث، احتمالات متعددی بیان می‌شود که مؤلف روش‌هایی در ترجیح یکی از این احتمالات دارد که به آنها پرداخته می‌شود:

ترجیح متن گزارش‌های تاریخی

یکی از مباحثی که در جلد اول کتاب مورد بررسی قرار گرفته، مبحث کاتبان رسول خدا و معرفی ایشان است. یکی از این افراد، شخصی به نام ارقم بن ابی‌الارقم است و برخی از مکاتبات توسط ایشان نقل شده است. مؤلف در مورد تأیید کتابت این شخص، با استناد به برخی روایات می‌فرماید: «در انته‌ای برخی از نامه‌های پیامبر مانند نامه به عبد یغوث، عاصم بن حارث، عظیم بن حارث، بنی جفال و احب اسلمی، نام ارقم بن ابی‌الارقم را یافتیم» (همان، ص ۱۶۶).

ترجیح متن روایات متواتر

مؤلف بعد از بیان داستان ابلاغ سوره براءت توسط ابوبکر و دستور به مراجعت او و مأمور شدن امیرالمؤمنین به این کار می‌فرماید:

در بین محدثان و مفسران و مورخین هیچ شکی نیست که پیامبر را برای ابلاغ سوره براءت ارسال فرمود اما در بین مسیر امیرالمؤمنین سوار بر شتر پیامبر آمد و نامه را از ابوبکر گرفت و در موسم حج ابلاغ فرمود و فقط در باقی ماندن ابوبکر به هنگام قرائت سوره و یا مراجعه او اختلاف وجود دارد (همان، ص ۲۶۷).

در مسند احمد، به سند نافع بن جبیر آمده است که مروان در خطبه‌ای مکه را به عنوان حرم معرفی کرد. در این میان، شخصی به نام رافع بن خدیج ادعا کرد که نامه از پیامبر نزدشان وجود دارد که در پوست نوشته شده است و در آن، پیامبر مدینه را نیز به عنوان حرم معرفی نموده است. مرحوم میانجی بعد از ذکر این مطلب، می‌فرماید: «احادیث در مورد حرمت شهر مدینه جدا بسیار زیاد است.» و سپس، به مصادر این احادیث پرداخته‌اند (همان، ص ۲۹۴).

ترجیح قول یک راوی

در کیفیت شروع نامه توسط پیامبر، قبل از نزول سوره نمل اختلاف شده است که مرحوم میانجی می‌فرماید: «ممکن است نقل صحیح همان قول قتاده است که عرف مردم قبل از نزول سوره نمل بر شروع نامه‌ها به عبارت «بسمک اللهم» بوده و بعد از نزول سوره مبارکه، به عبارت «بسم الله الرحمن الرحیم» تغییر یافت» (همان، ص ۶۳).

ترجیح بر پایه مسلمات اعتقادی

یکی از مطالبی که مطرح شده است، مسئله علم پیامبر ﷺ به خواندن و نوشتن است و با پرداختن به این موضوع، نظرات مختلف را نقل و سپس، نظر مختار را بیان می‌کنند: در ابتدای این بحث دو دلیل از قائلین به عدم استطاعت کتابت پیامبر را بیان می‌کند که دلیل اول با استناد به آیه ۴۸ سوره مبارکه عنکبوت «وَمَا كُنْتُمْ تَلْتَلُونَ مِنْ قَبْلِهِ مِنْ كِتَابٍ وَلَا تَخْطُوهُ بِيَمِينِكُمْ إِذْ لَأَرْتَابَ الْمُبْطِلُونَ» است که قائلند پیامبر ﷺ هرگز قدرت بر کتابت نداشته است. مرحوم میانجی ذیل این قول، نظر خود را مبنی بر اینکه آیه در مقابل زمان ما بعد از نزول وحی ساکت است و استدلال کلی به این آیه تمام نیست و استمرار عدم کتابت تا بعد از نزول وحی و یا بقای علت که همان تردید باطل‌گرایان است را نمی‌توان از آیه استخراج نمود و دلیل دوم، استدلال به آیه ۱۵۷ سوره مبارکه اعراف «الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ...» است که ایشان امی بوده‌اند. همچنین مرحوم میانجی، همان پاسخ سابق و عدم استمرار امی بودن را به ما بعد نزول وحی بیان نموده و در نهایت، استناد به آیه در اطلاق امی بودن را رد می‌کند. سپس، برای احتراز از معنی مورد نظر قائلین به بیسوادی، به

معنای دیگری از کلمه «امی» پرداخته که معنای بیسوادی مطلق، از آنها مستفاد نمی‌شود. بنابراین، اینکه ایشان خواندن و نوشتن انجام ندادند، به این معنا نیست که فی نفسه خواندن و نوشتن نمی‌دانستند و یا اینکه چون اهل ام‌القری، یعنی مکه بودند به «نبی‌امی» منتسب شدند. به هر حال، آیات مورد استدلال در مورد کتابت ایشان بعد از نزول وحی ساکت می‌باشد. چنانچه در روایات شیعه نیز همین نظر انعکاس یافته و حرف از کتابت یا قرائت ایشان آمده است (همان، ص، ۸۸-۱۰۲).

یکی از اشخاصی که به جهت رویکرد سیاسی، نام او در دیوان الرسائل کمرنگ شده، *ابی بن کعب انصاری* است. در حالی که *ابو عمر از وقعی* تصریح دارد که ایشان به همراه *زید کاتب* وحی بوده است. همچنین در موضوعات دیگر مانند معهودات نیز از ایشان نامه موجود می‌باشد. مرحوم *میانجی*، می‌فرماید: «ایشان نزد محدثین عامه هرگز به مرتبه *زید* نمی‌رسد؛ چون از کسانی بود که با *بو بکر بیعت* نکرد و از متحصنین خانه *فاطمه زهرا* (س) بوده است» (همان، ص ۱۴۰).

مؤلف در ابتدای کتاب پس از پرداختن به اصل نامه‌ها، مقدماتی را بیان می‌کنند و در بخشی به سیره اصحاب در مقدم داشتن نام شریف پیامبر، در هنگام نامه‌نگاری با ایشان پرداخته، و می‌فرماید: عده‌ای با استناد به روایتی از پیامبر مبنی بر اینکه مانند عجم‌ها در هنگام نامه‌نگاری نام بزرگان خود را مقدم نکنید، ابتدا نام خود را ثبت می‌کردند که در شرح این روایت می‌فرماید: شاید مراد از نهی پیامبر ﷺ در جایی است که مخاطب مانند بزرگان عجم از مشرکان باشد، اما در جایی که مؤمن به مؤمن دیگر نامه می‌نویسد، مقدم داشتن نام مخاطب جنبه احترام دارد. بالجمله این تکریم به لحاظ نوع نیت‌ها، گاهی جنبه وجوب و حرمت و گاهی جنبه استحباب و کراهت پیدا می‌کند. همان‌گونه که با اختلاف معرفت و ادب افراد نیز، رفتار آنها تغییر می‌کند. *سلمان فارسی* می‌گوید: «هیچ کس حرمتش بالاتر از رسول خدا نیست و لذا اصحاب ایشان هنگام مکاتبه با ایشان نام او را بر خود مقدم می‌داشتند». در روایت دیگری که از *حنظله کاتب*، آمده است که در هنگام مهاجرت امیرالمؤمنین و *خالد بن ولید* به یمن، هر کدام مکاتباتی با پیامبر داشتند که امیرالمؤمنین ﷺ در این مکاتبه، نام شریف پیامبر را بر خود مقدم داشته، اما *خالد* نام خود را مقدم داشت. مرحوم *میانجی*، می‌گوید: این برگرفته از سطح معرفتی و ادب افراد نسبت به پیامبر است و کسی که حرمت بالای برای پیامبر قائل است، هرگز نام خود را بر نام ایشان مقدم نمی‌دارد (همان، ص ۷۲).

روش رد احتمالات

مرحوم *میانجی*، در رد احتمالات ذیل هر بحث نیز دارای روش و شیوه‌هایی هستند که در اینجا به آنها می‌پردازیم.

تعارض در روایات

یکی از مطالبی که مورد طرح واقع شده، مسئله علم پیامبر به خواندن و نوشتن است و با پرداختن به این موضوع، روایت *براء بن عازب*، که در تأیید کتابت پیامبر در صلح حدیبیه وارد شده را نقل و سپس، روایات معارض با این روایت را نقل و پس از آن نظر مختار را بیان می‌دارد: «بنابر آنچه بیان شد، مجالی برای تمسک به کلام *براء بن عازب* به دلیل معارضات فراوانی که وجود دارد قابل پذیرش نیست و لذا نیازی به پذیرفتن توجیه باجی مالکی یا ابن‌خلدون نیست» (همان، ص ۸۵).

تعارض با نص تاریخ

در ذیل نامه به اهل یمن از قول *ابو عبید*، آمده است که پیامبر ﷺ همراه *معاذ بن جبل*، *عبدالله بن رواحه* را نیز ارسال نمود. مرحوم *میانجی* می‌فرماید: «در این مطلب اشکال است؛ زیرا کتابت به یمن در سال نهم شکل گرفته و *عبدالله بن رواحه* در جنگ موته در سال هشتم به شهادت رسید. بنابراین این اشکال بر متن *ابوعبید* باقی است. اما بنابر نقل *طبری* و *حلبی* و *زینی دحلان* و *ابن هشام عبدالله بن زید* بوده که در این صورت اشکال مرتفع است» (همان، ص ۵۸۹).

تعارض با سیره

برخی نقل کرده‌اند که پیامبر در مکاتبات خود، کلمه مبارک «بسمله» را مرقوم نفرمودند، مگر بعد از اینکه سوره نمل نازل گردید. مرحوم *میانجی* این احتمال را رد نموده، و می‌فرماید: «رسول خدا همواره بر سنت پروردگار متعال رفتار می‌نمود و جمیع کارهایشان از جمله مکاتبات و مراسلات را با نام خدا شروع می‌نمودند و وجود برخی از نقل‌ها در حذف «بسمله»، از خطای مورخ یا خلاصه نمودن گزارش بوده است» (همان، ص ۶۴).

تعارض رجالی

یکی از نامه‌های پیامبر، به شخصی به نام *عتبه بن فرقد* ثبت شده است که مرحوم *میانجی*، در بررسی وضعیت این شخص می‌فرماید:

ابن اثیر در *اسدالغابه* می‌گوید: *عتبه بن فرقد السلمی* از بنی مازن است در حالی که بنی مازن شناخته شده نیست و در نسب بنی سلیم هم شخصی به نام *مازن* موجود نیست و شاید منظور *مازن بن منصور* برادر سلیم باشد که در ثبت آن دچار اشتباه شده‌اند و یا اینکه اتصال او به این شخص برای ما مجهول باشد. اما ممکن است *علی بن منده عتبه بن فرقد* را با *عتبه بن غزوان* که از بنی مازن و از مهاجرین اول هست، اشتباه گرفته باشد (همان، ص ۴۷۸).

در نامه دیگری که به *هلال* نوشته شده نیز همین مطلب منعکس شده و مؤلف هیچ اثر از این شخص، در کتب رجالی نیافته است و هویت و قبیله و عشیره او برای ایشان مجهول می باشد (همان، ص ۳۳۴).

شخصیت شناسی

مرحوم میانجی، در خلال شرح نامه‌ها گاهی مبادرت به شرح حال برخی افراد پرداخته است. به عنوان نمونه، به برخی از آنها در اینجا پرداخته می‌شود:

۱. زید بن ثابت

وقتی به فراخور بحث به کاتبان وحی می‌رسد به بررسی حالات یک یک آنها پرداخته و خط سیاسی و فکری آنها را نیز مشخص می‌کند. در این میان، یکی از افراد مورد بحث *زید بن ثابت* است که پس از بررسی نحوه کتابت او، به وضعیت فکری و سیاسی او پرداخته و می‌فرماید:

زید از کسانی بود که کینه امیرالمؤمنین را به دل داشته و همچنین از یاوران غاصبان خلافت و مهاجمین به بیت فاطمه در کنار عمر، خالد بن ولید، عبدالرحمن بن عوف و ... بوده است و در دوران خلفا نیز کتابت می‌کرده و بسیار مورد اعتماد/بویکر و عمر بوده و از چهار نفری بود که عثمان را حمایت کرد و عثمان نیز او را بسیار دوست می‌داشت، ... زید مردم را به سب امیرالمؤمنین تشویق می‌نمود و بعد از عثمان نیز با ایشان بیعت نکرد (همان، ص ۱۳۰).

۲. معاویه بن ابوسفیان

در مورد کتابت معاویه نیز به بررسی شخصیت او و زمان اسلامش سخن به میان آورده که او در سال فتح اسلام آورد و به شفاعت عباس مورد بخشش پیامبر قرار گرفت و زمانی که بقیه کاتبان غائب بودند، چند نامه برای حضرت نوشت. مؤلف در مورد او ادامه می‌دهد: «او به دلیل تعلل در اجابت درخواست پیامبر و مشغول شدن به غذا، مورد نفرین واقع شد. همچنین، در زمان عمر به امارت شام منصوب گردید و همانند فراعنه طغیان و خلاف‌های زیادی در آنجا، انجام داد» (همان، ص ۱۶۰).

۳. زبیر بن عوام

همچنین، در مورد *زبیر بن عوام* بعد از معرفی او و انتساب به پیامبر به شخصیت او پرداخته که به واسطه اغواء فرزند و غلبه هوای نفس همراه با طلحه و عایشه به مقابله با امام پرداخت و موجب قتل بسیاری از مؤمنین گردید و بسیار بخیل بود و حرص و ولع زیادی نسبت به دنیا داشت (همان، ص ۴۵۹).

۴. معاذ بن جبل

معاذ بن جبل نیز از افرادی است که مؤلف به او اشاره نموده، و او را از یاری دهندگان خلافت غصبی معرفی نموده است. به گونه‌ای که عمر آرزو می‌کرد که ای کاش معاذ زنده بود تا خلافت را به او منتقل می‌کردم و بنا بر نقل سلیم بن قیس، او را از اصحاب صحیفه ملعونه معرفی می‌کند (همان، ص ۵۵۵).

توجه به شبهات

در این بخش، گفت‌وگوی پیامبر با لغت‌های و گویش‌های مختلف را همراه با نظرات صاحب نظران مطرح نموده و سپس، ذیل آیه ۴ سوره مبارکه ابراهیم «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا بِلِسَانٍ قَوْمِهِ» به شبهه‌ای در این مورد، مبنی بر چرایی کتابت عربی با پادشاهان با زبان‌های متفاوت را مطرح و علت آن را حفظ شئون جامعه اسلامی، استقلال و عظمت آن بیان نمودند و اینکه رویکرد همه جوامع متمم گسترش و ترویج زبان خود به سایر ملل بوده است. لذا رسول خدا ﷺ با توجه به این نکات برای انتشار لغات قرآن و استعلائی دین مبین اسلام، تمامی تلاش خود را انجام دادند (همان، ص ۸۰).

در نامه‌ای که به اهل عمان نوشته شده، شبهه شده است که چرا با وجود کفر ایشان، پیامبر به آنها سلام کرده است. مرحوم میانجی، در پاسخ می‌فرماید: «از همین عبارت «سلام علیکم» استفاده می‌شود که آنها کافر نبوده، بلکه شاید به جهت منع زکات و ترک نماز توییح شده باشند» (همان، ص ۳۴۲). یعنی به واسطه ترک نماز و زکات به کفر نزدیک شده، نه اینکه از دین خارج شده باشند. در بخشی دیگر از کتاب، هدایایی که ملوک برای رسول خدا فرستاده شده مطرح و سپس، به هدیه مقوقس اشاره می‌شود که بر دین خود باقی بوده است. در اینجا اشکال شده است که آیا پذیرش هدیه از او، توسط پیامبر ﷺ صحیح بوده است؟/بوعبید در کتاب *الاموال* به پاسخ این اشکال پرداخته، اما مرحوم میانجی می‌فرماید: اصلاً وجهی برای این اشکال نیست تا پاسخ به آن داده شود؛ زیرا عبارتی که به آن استناد می‌شود، جمله پیامبر است که فرمود: «لَا أَقْبَلُ زَيْدَ الْمُشْرِكِينَ» و منظور از اینها، مشرکین محارب و عهد شکن هست و منظور اهل کتاب مانند یهود و نصاری و کسانی که مانند مجوس به منزله اهل کتاب هستند، نیست. لذا پیامبر هدیه قیصر را پذیرفت (همان، ص ۴۲۶).

رویکرد

از آنچه گذشت رویکرد کلامی، تاریخی مؤلف در این کتاب به خوبی مشخص است. که گاهی با دقت نظر و ویژگی‌هایی همراه است که اشرف ایشان به مباحث تاریخی را نیز نشان می‌دهد. به عنوان نمونه، در بین نامه‌هایی که از پیامبر نقل شده است، نامه‌ای به مهاجرین و انصار و یهود یرب نوشته شده است و توصیه به الفت بین طوائف مهاجر و

انصار و معاهده بین همدیگر شده است. در حالی که نامه به قبائل یهودی به صورت مجزا شکل گرفته و محتوای آن هم متفاوت است. در مورد چرایی مکتوب شدن نام یهودیان مدینه، در کنار مهاجر و انصار احتمالات فراوانی نقل شده است. مرحوم میانجی در ادامه می‌فرماید:

آنچه بعد از دقت نظر به ذهن می‌رسد این است که یهود قبل از اوس و خزرج در یثرب ساکن بودند و دارای قدرت و ثروت و ملک بودند و وقتی انصار بر آنها وارد شدند بر یهود غلبه یافتند و در این زمان عده‌ای از انصار دین یهود را اتخاذ نمودند در حالی که بین اقوام خود نیز زندگی می‌کردند و در حالی که مشرک بودند، به نام طایفه خود شناخته می‌شدند، سپس پیامبر به مدینه هجرت نمودند و ساکن آنجا شدند و بین مهاجر و انصار برادری برقرار نموده و مرقومه را بین آنها مکتوب نمودند که شأن یهودیان را نیز ذکر نمودند که منظور همان کسانی که از انصار یهودی شده بودند و به نام قبائل خود شناخته می‌شدند و این افراد غیر از یهودیان بنو قریظه و بنو نظیر و بنو قینقاع بودند. لذا برای همه افراد ساکن در مدینه اعم از مهاجر و انصار و یهودیان از انصار یک نامه واحد مکتوب شد (همان، ص ۶).

و یا ذیل نامه به اهل یمن، به تقسیم‌بندی اعراب و معرفی اعراب بائده و مسکن، ایشان قبل از میلاد اشاره نموده و سپس، وارد ماجرا و کیفیت تسلط سیف بن ذی یزن بر یمن پرداخته است (همان، ص ۵۸۳).

اما آنچه را که می‌توان به عنوان رویکرد غالب ایشان، در تألیف کتاب *مکاتیب الرسول* عنوان کرد، همان رویکرد کلامی، تاریخی ایشان است. این رویکرد را در مطالب گذشته به خصوص در مباحث شخصیت‌شناسی ایشان و هم در دغدغه ایشان نسبت به انتخاب موضوع این کتاب و دیگر تألیفاتشان می‌توان مشاهده نمود. البته به چند نمونه دیگر اشاره می‌گردد: در نمونه ذیل، با توجه به مسئله عصمت تحلیل خود را ارائه داده‌اند. در نقلی آمده است که رسول خدا در یکی از اقطاع خود، به ایض بن حمال دچار اشتباه شده است و پس از اطلاع آن را اصلاح نمودند. *شیخ طوسی*، این خبر را باطل دانسته و در پاسخ گفته است که پیامبر صلی الله علیه و آله اراده چنین اقطاعی را کرد. اما آن را انجام نداد و راوی به اشتباه آن را در مرحله فعلیت تلقی کرده و بیان نموده است.

مرحوم میانجی می‌فرماید: «برخی از نصوص موافق با این نظر جناب *شیخ طوسی* است و در نهایت، بنا بر نظر علامه *حلی* در تذکره می‌فرماید: این روایات بنا بر مذهب ما باطل است؛ زیرا پیامبر صلی الله علیه و آله معصوم از خطا و اشتباه است» (همان، ص ۳۳۴).

از مسائل دیگر که به آن پرداخته شده، مسئله توسل است که در کتاب *مکاتیب الرسول*، ذیل یکی از نامه‌ها به آن اشاره شده و آن نامه به جناب *عباس بن عبدالمطلب* است. مرحوم میانجی، ذیل این نامه به معرفی شخصیت *عباس بن عبدالمطلب* پرداخته و در این میان، در اثبات مبحث توسل، به بیان ماجرای توسل عمر در عهد خلافت

خود، به عباس در مسئله استسقاء را متذکر شده و پس از بیان ماجرا و رفتار عباس، در شأن اهل بیت علیهم السلام به نقل از قاموس الرجال می‌فرماید: «عمر، عباس را شفیع خود قرار داد، در حالی که امیرالمؤمنین و حسنین نفس و ابناء پیامبر در قرآن معرفی شده‌اند» (همان، ص ۶۱۵).

از نکات دیگری که در این کتاب مشهود است، مسئله تعامل با اهل سنت است و حفظ حرمت محترمین و بزرگان ایشان است. چنانچه گذشت، در مورد صحابه‌ای که مبغض امیرالمؤمنین علیه السلام بودند، از جمله زبیر، مغیره، زید بن ثابت، معاویه و ... سخن به میان آورده، اما متعرض بزرگان اهل سنت نشده و سخنی در بیان شخصیت و یا مطاعن ایشان نیآورده است (همان، ص ۱۴۵).

یکی دیگر از مباحث کلامی، مبحث نبوت عامه است که در کتاب *مکاتیب الرسول*، در مورد شرائع آسمانی و تبیین انبیاء اولوالعزم و بیان وجوه چهارگانه از فرق بین نبی و رسول، ذیل نامه به علاء بن حضرمی، سخن به میان آمده است (همان، ص ۶۳۵).

یکی از مباحث تاریخی زندگانی رسول خدا صلی الله علیه و آله که در قرآن کریم نیز انعکاس یافته است، مسئله مباحثه است که با تطبیق شأن نزول و روایات متعدد از فریقین یکی از مطالب مستفاد از آن، مسئله تطبیق «نفسنا» بر امیرالمؤمنین علیه السلام است که در احتجاجات و استدلالات اهل بیت علیهم السلام در اثبات برتری و حقانیت حضرت نسبت به دیگران و خلافت بلافصل ایشان استفاده شده است (مفید، ۱۴۱۳ ق، ص ۳۸). مرحوم میانجی ذیل نامه به اسقف نجران بعد از تبیین داستان مباحثه به شأن امیرالمؤمنین علیه السلام به عنوان نفس پیامبر و برادر و وزیر ایشان پرداخته و ضمن اعتراض به برخی از مفسران اهل سنت، مانند سیوطی در حذف نام امیرالمؤمنین علیه السلام، مصادر مدعی خود، در کتب اهل سنت را بیان نموده است (احمدی میانجی، ۱۴۱۹ ق، ص ۵۰۱).

از دیگر مطالب، انعکاس مبحث شاهد گرفتن حسنین ذیل نامه به مسلمین ثقیف، که با وجود صغر سن ایشان انجام شده و دلالت بر عصمت و اولی الامر بودن ایشان دارد که در سن کودکی، مانند عیسی و یحیی علم و حمت به ایشان اعطا شده است (همان، ص ۷۳).

نتیجه‌گیری

مرحوم احمدی میانجی در تألیف کتاب *مکاتیب الرسول*، به منابع فراوانی از جمله متون تاریخی و روایی شیعه و اهل سنت رجوع و بهره برده و ضمن معرفی شیوه‌های نگارش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به دسته‌بندی نامه‌هایی که از ایشان موجود است، پرداخته و پس از نقل هر نامه، منابع و مأخذ آن را به صورت مفصل، که شامل کتاب‌های تاریخی و سیره، حدیثی و غیر آن را شامل شده و اعم از منابع دست اول و مطالعات جدید است، بیان نموده و

سند آن را شرح و توضیح داده است. علت حجیم شدن کتاب، ذکر تفصیلی منابع و همچنین، بررسی اقوال است. سپس، به معرفی کاتبان پیامبر مبادرت کرده است. ایشان در تألیف این کتاب، تنها به جمع روایات بسنده نکرده و به نقد و بررسی اقوال مختلف پرداخته و آنها را مورد تحلیل عالمانه قرار داده و رویکردی تاریخی، کلامی اتخاذ نموده است. در واقع، اصل انتخاب موضوع برای تألیف کتاب که در نوع خود، منحصر به فرد است، خود نشانگر این رویکرد است که به شخصیت نمونه بشریت، به عنوان رسول خدا پرداخته و بخش زیادی از عمر خود را در پی جمع‌آوری نامه‌ها و مکتوبات ایشان صرف نموده است. در بسیاری از موارد، توأم با تحلیل‌های کلامی است. چنانچه ابتدا با مسئله توحید و یگانگی خداوند شروع نموده و سپس، با اشاره به تقدم نام پیامبر به مسئله نبوت پرداخته و بعد از آن، به فراخور هر بحث، به جنبه‌های اعتقادی موضوع پرداخته و مسئله امامت را نیز مطرح نموده‌اند.

بنابراین، می‌توان گفت: ایشان در انتخاب موضوع و در چپ‌نش مطالب رویکرد کلامی، تاریخی خود را به نمایش گذاشته است. در مجموع، آنچه در کتاب *مکاتیب الرسول* مشهود است، اینکه مرحوم آیت‌الله میانجی، در تألیف این کتاب، از طیف نامه‌نگاری از روش روایی، تحلیلی بهره برده و رویکرد ایشان نیز یک رویکرد کلامی، تاریخی با شاخصه‌های آن می‌باشد.

نکات کلی در روش و رویکرد مؤلف:

تجمیع نامه‌های پیامبر در یک جا؛ تتبع در کتاب‌های مختلف در جهت جمع‌آوری نامه‌ها؛ نقل اقوال مختلف در اختلافات و تحلیل مناسب؛ پرداختن به شبهات متناسب با موضوعات مطرح شده و پاسخ به آنها؛ تحلیل مناسب و منطقی بر پایه معتقدات شیعه؛ ثبت همه اسناد موجود در هر نامه و پرداختن به موضوعات تاریخی، اعتقادی، جغرافیایی و فقهی متناسب با هر نامه.

منابع

- اباذری عبدالرحیم، ۱۳۸۸، «نامه‌های پیامبر اعظم»، فرهنگ کوثر، ش ۷۷، ص ۸۱ - ۹۰.
- ابن حبان، ۱۴۱۴ ق، صحیح ابن حبان، تحقیق: شعیب الأرنؤوط، دوم، بیروت، مؤسسة الرسالة.
- ابن شهر آشوب مازندرانی و همکاران، ۱۳۷۹ ق، مناقب آل ابی طالب علیه السلام، اول، قم، علامه.
- احمدی میانجی، ۱۴۱۹ ق، مکاتیب الرسول، اول، قم، دارالحديث.
- اصفهانى ابوالفرج على بن الحسين، ۱۴۱۵ ق، الأغانى، اول، دار إحياء التراث العربى، بیروت.
- بغدادى، محمد بن سعد، ۱۴۱۰ ق، الطبقات الكبرى، تحقیق: محمد بن عبدالقادر عطا، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- جعفر مرتضى العالمی، ۱۴۱۵ ق، الصحیح من سیرة النبی الأعظم، چهارم، بیروت، دار الیهادی - دار السیره.
- جواد علی، ۱۴۱۳ ق، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، بغداد، جامعه بغداد.
- حیدر آبادی محمد حمید الله، ۴۰۷ ق، مجموعة الوثائق السياسية للعهد النبوی والخلافة الراشدة، ششم، بیروت، دار النفائس.
- در محضر آیت‌الله احمدی میانجی، ۱۳۹۶، پیام، ش ۱۲۵، ص ۷ - ۱۸.
- طبرانی، سلیمان بن احمد، ۱۴۱۵ ق، المعجم الكبير، تحقیق: حمدی بن عبد المجید السلفی، دوم، قاهره، مکتبه ابن تیمیه.
- متقی هندی، ۱۴۰۱ ق، کنز العمال فی سنن الأقوال والأفعال، تحقیق: بکری حبانى - صفوة السقا، بیروت، مؤسسة الرسالة.
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، ۱۴۰۳ ق، بحار الأنوار، دوم، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- محسن کاظمی، ۱۳۸۰، خاطرات آیت‌الله علی احمدی میانجی، تهران، سوره مهر.
- مفید، محمد بن محمد، سال ۱۴۱۳، الفصول المختارة، تحقیق: میر شریفی، علی، قم، کنگره شیخ مفید.
- هوشمند، مهدی، ۱۳۸۰، «معرفی کتاب مکاتیب الرسول»، علوم حدیث، ش ۲۱، ص ۱۸۹ - ۱۹۹.